

« فقیر را در خرد سالی یک بار ملاقات او حاصل شد درین وقت فقیر که مجمع زبانی و ژولیده بیانی آغازیده بود »^۱.

این دوق گفتن شعر و نوشتن نثر فارسی در خلیل اثر تأثیر « مخلصی » ایجاد شد اما اسم آن « مخلص » خلیل ذکر نکرده است و تنها همین قدر میگوید که بعد از تأثیر محبت مخلصی طبعم نثر و نظم فارسی مایل شد^۲.

خلیل غیر از پدر خود تنها اسم یکسر را حرو و اساتید خود ذکر نموده است چنانکه در دیل مولوی آل احمد پهلوازی مینویسد « کاتب الحروف را در سخنوری از ایشان بسیار هوای حاصل شده .^۳ اما طاهرا وی اساتید دیگر هم داشته که اسم آنها را در این تذکره نیاورده است

باید ادعا کرد که با وجود اینکه در زمان خلیل آفتاب زبان و ادب فارسی درستند و بر وال بود و شعرائی مانند میر علی شیر قانع دیگر رخت از جهان بر بسته بودند اما هنوز قریحه و دوق شعر فارسی در بعضی خانواده ها باقی مانده و بر آسمان شعر فارسی بعضی ستاره های روشن میدرخشیدند هر چهار خاندان عرفان و طریقت تته که ذکرشان در سطور فوق گذشت با زبان ادبیات فارسی علاقه داشتند و در خاندان خود خلیل از چندین پشت شعرای صاحب دل و نادر و قوی بودند و آمده بود و حتی پدر او محمود عبدالکریم متخلص به کریم و برادر وی محمود فیضی احمد متخلص به فیض و غیره به فارسی شرمیسروند همچنین در خانواده میر قانع پسر او میر مایل که در ۱۲۵۱ هـ فوت شد شاعر بود و میر صابر پسر میر مایل که معاصر خلیل بود نیز به فارسی شعر میسرود .

در زمان خلیل هنوز بهترین وسیله برای بیان مطالب صوفی و عرفان شعر فارسی بود و بنا بر این عده شعرای فارسی گو (چنانکه بعضی از آنها در تذکره تکمله مقالات الشعرا - کر شده اند) کم نبوده و این عده شعران نیز شعر و ادب فارسی را گرم

۱ - رک تکمله ص ۶ - ۴۰۵

۲ - یسا ص ۲۱۲

۳ - ایضا ص ۹

نگه میداشتند. همچنین هنوز از خاندان حکمرانان سابق سند برخی از رجال شاعر در این عصر وجود داشتند که بعضی از آنها در حال تبعید دراز وطن در گذشتند اما چند نفر از آنها بعد از پایان مدت تبعید دوباره بوطن خود برگشتند و تا مدتی شمع شعر و ادب فارسی را نیمه فروزان نگهداشتند مانند جعفری و میر و حسین و حسن و مومن و مهر مور و حیدری و سانگی و غیره که اسامی آنها در تواریخ معاصر آمده است. با وجود اینکه از وجود این امر دیگر فواید مالی مقصود و منظور نبود اما وجود آنها برای رندگی شعر و ادب فارسی در سند معتم بود

علاوه بر این يك عامل مؤثر دیگر در این زمان انتشار حریده ای سام و معرج-القلوب، از کراچی بوسیله یکمتر فارسی زبان و شاعر بادوقی بود که در هر شماره نمونه های کلام شعرای فارسی گوی سند و نواحی آن را چاپ میکرد و گاهی مسابقه های شعر را ترتیب میداد و اشعاری را چاپ میکرد و شعرای دیگر از آن استقبال میکردند.

خلیل در اول «بیاض» کوچکی درست کرده بود که يك طرف آن اشعار خود را (از غریبات) و طرف دیگر آن شعر خود را از مکاتیب که به «مخلصان» مینوشت نقل میکرد ولی متأسفانه این بیاض گم شد و سپس بیاض دیگر مثل سابق درست کرد و برای ترتیب دیوان خود بهاد. خلیل آنوقت مسکین تحلیل میکرد. بعد از تکمیل «دیوان مسکین» مکاتیب خود را جمع آوری کرده اسم آن را «کشکول مسکین» نهاد.

چندی بعد در نتیجه توصیه های بعضی رفقای خود مانند میان محمد راهد شاکرانی بمناسبت اسم خود که ابراهیم بود «خلیل» تخلص اختیار نمود و بعد از مدتی «دیوان خلیل» را هم با تمام رسایید و همچنین مکتوبات خود را که تا آنوقت نوشته بود جمع آوری نموده اسم آنرا «مایده خلیل» نهاد. شعرا و عالماً حسه عرفان و تصوف دارد.

گاهی بر بان سندهی هم شعر میسرود و آنجا «اداسی» تخلص میکرد که

بزبان سندهی بمعنی قسمی از فقرا یا آرزومند است. همچنین بزبان هندی (اردو) هم شعر میگفت و آنجا هم مانند فارسی «مسکین» تخلص داشت. خلیل بقول خودش در اول زبان هندی (اردو) بلد نبود اما در اثر صحبت سید غلام محمد متخلص به گدا و مطالعه دیوان ناسخ و آباد و آتش آن زبان رایاد گرفت و چند غزل در آن زبان سروده است.

در تکمله خلیل در ردیل تخلص «خلیل» (در ردیف «خ») انتخاب اشعار خود را در دیوان خلیل آورده است و سپس در ردیل تخلص «مسکین» (در ردیف «میم») سه غزل را از دیوان مسکین هم نقل کرده است.

مؤلف به ماده تاریخ گوئی هم علاقه داشت و در ردیل بعضی شعر اقطعه های تاریخ که خودش گفته بود نقل کرده است

در سال ۱۳۱۳ هـ سن هفتاد سالگی بفکر افتاد که در آن سال میمیرد و بدین مناسبت قطعه زیر متضمن تاریخ وفات خود سرود که در «دیوان خلیل» درج است.

چو کرد نقل ازین دار پر ملال خلیل	خرد بماند سن انتقال و جویان
سروش گفت کوشش که خیر روی حساب	«خلیل را بحثان برد لطف آیرد» حوان

= ۱۳۱۳ هـ

سپس در حدود سال ۱۳۱۶ هـ موقعی که بسن هفتاد و سه سال رسیده بود دوباره همان فکر در خاطر خلیل حطور کرد و بنا بر این دو باره قطعه زیر را بدان مناسبت سرود که در «دیوان خلیل» آمده است.

اراین جهان چو بر فتم که رفتن است ضرور	هزار شکر که فضل خدا مرا حوید
روانه گشتم و گفتم من ارسر الهام	رود خلیل بیاران وداع میگوید

(= ۱۳۱۶ هـ)

چند قطعه تاریخ دیگر هم در «دیوان خلیل» بهمین مناسبت آمده است که سال ۱۳۱۶ هـ را بعنوان سال فوتوی میرساند و بسن ریر سال میلادی (۱۸۵۶) را میرساند که

در هماججا ثبت گردیده است :

سالوداع خود چو پرسیدم از سرش بی بحثو کدیگمت بگو «خیر خاتمه»
(= ۱۸۵۶ م)

اما در سال ۱۳۱۶ هـ مطابق ۱۸۵۶ م نیز از دست اجل امان یافت ولی در سال
آیندمدر ۱۳۱۷ هـ بسن هفتاد و چهار سالگی این سرای فانی را بدرود گفت^۱. بعضی
شعراى سندتاریخ فوت او را شعر سروده اند اما اکثر آنها بدست نرسیده. خوشحخانه
چند قطعه تاریخ فوت خلیل که دوست وی مولانا عبدالکریم کراچوی متخلص
به درس سروده و در دیوانش چاپ شده در دست ماست^۲ و این دو بیت اردو قطعه او اینجا
مقل میگردد

فلک سال وصالش گفت ای درس بگو «ستان حنت کرد مرل» (= ۱۳۱۷ هـ)
پی سال تاریخ یاد رس گفت فلک «کاملی نقشید سخن» (= ۱۳۱۷ هـ)

قبر خلیل در گورستان مخدوم ابوالقاسم نقشیدی ریر تل مر کزی جانب
مغرب امروز هم موجود است و در پهلوی او دخترش مدفونست قبر او خام است و هیچ
کتیبه ندارد. اما خلیل اشعاری را برای سنگ مزار خود سروده بود و در دیوانش
باین عبارت ثبت گردیده است

«نقش قبر خلیل فقیرا گر این فرد شود بهتر

زنده میرد عاقبت ای رایر فرخ شعار تکیه نتوان کرد هر گز بر حیات مستعار»
همچنین در دیوان خلیل يك عمل دیگر بعنوان ریر آمده است
« بر لوح قبر فقیر چه ریا رید »^۳

۱ - روز وفات و فوات خلیل معلوم نیست اما باید بعد از ۲۰ ربيع الثانی (۱۳۱۷ هـ)
باشد چون در آن روز خواهر وی فوت کرده و او بدان مناسبت تاریخ وفات او را سروده
است (ر.ک تکمله چاپ کراچی ص ۳۲)

۲ - ر.ک تکمله چاپ کراچی ص ۲۵۰-۲۵۲

۳ - ایضا ص ۲ - ۲۵۲

از نسب نامه خلیل که در پایان مقدمه تکمله چاپ کراچی دانشمند معظم آقای پیر حسام الدین ضمیمه کرده اند معلوم میشود که خلیل بعد از محمد حسن فرزندی بنام حبیب داشت که در ۲۳ صفر ۱۲۶۹ هـ متولد شد و در ۱۳۰۱ هـ در عین شب درگذشت. مؤلف تاریخ مرگهوی را که دیگران سروده بودند و چهارده مسجع وی (که سال ۱۳۰۶ همیرساند) و یک محمس و یک مشوی و چند رباعی که خودش سروده بود در ذیل «حبیب» در این کتاب آورده است^۱. همچنین خلیل دخترانی نیز داشته که در زمان حیات او فوت کردند یکی از دختران وی که بقول بعضی بعد از مرگ وی فوت کرده بود پهلوی او دفن شده است بعد از این دختر کسی از خاندان خلیل رنده نماند (همچنین بعد از مدتی کسی از سه خاندان دیگر نیز که در کرشان در سطور فوق گذشت باقی نماند)^۲.

چنانکه از مطالعه این تذکره بر می آید خلیل باشعرای معاصر خود روابط دوستانه و برادری داشته است و چون وی بیک خاندان خلیل القدر تعلق داشت معاصرینش وی را بنظر احترام مینگریسته اند همچنین بسیاری از شعرای معاصر که برخی در این تذکره ذکر شده اند در شعرها گرد خلیل بودند مثلاً رجوع شود به طالب و عزیز و علی و غنی و فقیر و زاهد و جمعری و غیره

از جمله شعرای متقدم در زمان خلیل در سند حواحه حافظ حیلی محبوبیت داشت و شعرای سند گاهی غزلیاتی تقلیدی میسرودند چنانکه در خود دیوان خلیل بچندین غزل بر میخوریم که وی بطرز و روش حافظ سروده است

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

۱ - بیاض که شامل اشعار و مکاتیب اوایل زندگی خلیل بوده و بعداً معتود شد

۱۱ - تکمله تن ۱۶ ص ۱۲۷ - ۱۵۲

۲ - تکمله چاپ کراچی مقدمه گرد آورده ۳۲ برای د

خاندانها رجوع شود به پایان مقدمه تکمله بعد از ص ۳۶ .

۲ - دیوان مسکین، دیوان اول فارسی

۳ - دیوان خلیل . دیوان دوم فارسی

۴ - کشکول مسکین. مجموعه مکاتیب که با « دیوان مسکین » در یک مجلد

آمده است.

۵ - مائده خلیل . مجموعه دیگر از مکاتیبی که با «دیوان خلیل » در یک

مجلد آمده است

۶ - تحفة الصغیر رساله ای در شرح حال جد مؤلف محنوم غلام حیدر.

تبصره بر کتاب

مؤلف سال تألیف کتاب را در مقدمه یا حاتمه نیاورده است اما در ذیل آصف

اصفہانی میگوید که در سال است تحمیساً سنه ۱۳۰۴ هـ که به کراچی آمده بود» همچنین

در ذیل شرح حال پسروی حبیب که در ۱۳۰۶ هـ فوت کرد هنوز تارگی آن رحم پیداست.

بدین جهت میتوان گفت که مؤلف این تذکره را در حدود سال ۱۳۰۶ هـ تألیف نموده است

در مورد سب تألیف مؤلف در مقدمه کتاب چنین توضیح میدهد «ارذیر .

آرزو بود که تکمله مقالات الشعرا که ارتضایف . میرعلی شیر قانع میباشد تصنیف

کند و بعینه طرزو راه آن یگانه رود یعنی اهل مسد و هراهل ولایت (ایران) که

از سند در گذر درج نماید. از باعث علایق و عوایق ارقوت بععل نمی آمد تا اینکه درین

وقت قدری فرصت دستداد عمارت تکمله را بنا نهاد» .

مؤلف در خاتمه کتاب اسم کتابهای ریر را ذکر نموده است که در تألیف آن از

آنها استفاده نموده است

۱- کلمات الشعرا ی سرخوش ۲- یدبصای میرعلام علی آراد

۳- مقالات الشعرا ی میر قانع

این تذکره با « احمد مولوی احمد هندوستانی پهلوانی » شروع شده

با « یوسف حکاک سیستانی » تمام میشود و شامل ذکر هشتاد و دو تن^۱ شاعر است که اهل سد بودند یا از آنجا گذشته‌اند. این کتاب اصلاً تکمله ایست بر تذکره مقالات الشعرا تألیف میر علی شیر قانع (تألیف ۱۱۷۲ هـ). مؤلف در مقدمه این کتاب بعد از حمد و نعت و سبب تألیف کتاب شواهدی برای اثبات شاعری از آیات قرآن و احادیث رسول و اقوال و حکایات مختلف آورده است.

در حاتم این کتاب بعضی اشعار متفرق از شعرای مختلف از مقالات الشعرا و کلمات الشعرا ویدیها و غیره نقل کرده است و بدین ترتیب مجلس ادبی ساخته است که طی آن اشعاری چند در یک موضوع که شعرای مختلف سروده‌اند نقل کرده است (ص ۶۵۸-۶۷۳) و سپس در پایان دعائی بر بیان عربی آورده است (ص ۴-۶۷۳).

از مطالعه این تذکره باین حقیقت پی میبریم که تا زمان قانع (مؤلف مقالات الشعرا) چنانکه از تذکره وی پیداست شعرای ایرانی در سده هفد داشته‌اند اما در زمان خلیل بجای شعرای ایرانی شعر اودنای افغانی در این ناحیه رفت و آمد داشته و موجب تشویق شعرای فارسی و شیوع ذوق و شعروادب فارسی در سده هفدهم است. این امر دو علت داشت اولاً حامدان محدودیان قندهار و کابل در سده هفدهم کثیر داشتند و بنا بر این رفت و آمد بین سد و افغانستان در این عصر زیاد صورت می‌گرفت و ثانیاً بعلت جنگهای داخلی و نفوذ انگلیسها در افغانستان تعداد زیادی از حامدانهای معروف و افراد حامد های شاهی بسنده با حارت نموده در آن زمان در آن ناحیه سکونت گزیده بودند و اکثر آنها اهل ذوق و دانش بودند و روابط نزدیک آنها با اهالی این سرزمین باعث تشویق و ترغیب مردم آن شعروادب فارسی شده است.

خلیل خودش هم با حمیدین بهر افغانی آشائی و روابط دوستانه داشت و به بعضی از آنها مکاتبه می‌نمود مثلاً هنگامی که سردار غلام محمد خان طرزی بکراچی آمد خلیل با وی آشنا شد و بعداً هر دو با هم مکاتبه داشتند و سردار هر نور و زیند چه

۱- این عده دوازده نفر دیگر را که مؤلف در ذیل بعضی شعرا شرح احوالشان را آورده

ست شامل بیست و یک نفر است که آنها شاعر بوده‌اند.

سردار محمود خان طرزی را برای ملاقات با حلیل به تته فرستاد و خلیل چندین غزل بطرز غزلیات وی سروده است^۱.

نکته دیگر که از مطالعه این تذکره بدان پی میبریم این امر است که تا زمان مؤلف این تذکره هور در اکثر شهرها و قصبات سند دوق شعر و شاعری باقی مانده و مخصوصاً در شهر تته و حیدرآباد و هالا و متیاری و بهکرو و شکارپور و سیستان و کراچی شعرائی وجود داشتند که به فارسی شعر میسرودند چنانکه حلیل اسامی بسیاری از معاصرین خود را در این تذکره ذکر نموده است که در این شهرها و قصبات تعلق داشتند از جمله امام بخش فدوی و علی اصغر علی و بنده علی گرجی و محمد قاسم هالائی و موتیل شاه کمرتنوی و ۷۴ محمد گدا و مخلص علی مخلص و احمد علی و غیره.

چون مؤلف نام اکثر شعرا و اشخاصی که ذکر آنها را در این تذکره آورده است ملاقات کرده یا از بردیک یا آنها آشنائی داشت و اکثر آنان از معاصرین و رفقایش بودند بنا بر این شرح حال و آثاری که در این کتاب آورده است مورد اعتبار و اعتماد میباشد

اما در ذیل نام اکثر شعرا شرح حال آنها را خیلی محصور آورده و حتی اکثر اطلاعات مهم راجع برندگان آنها را بهم نرسانیده با وجود اینکه چون از بردیک یا آنها آشنا بود موقعیت و فرصت خوبی برای این کار داشت اما ظاهراً سعی نکرده است اطلاعات کافی و وافی را در باره شرح زندگانی شعرا بهم رساند

در هر حال شرح حال شعرا و اشخاص ریرا مفصل تر از دیگران آورده است مخدوم هاشم (در ۳ص) و باقی و عبدالکریم بن علام حیدرو میان عبداللطیف و میان گل محمد (هر کدام در ۴ص) و مخدوم عبدالکریم و ابوالقاسم نقشبندی (هر کدام در ۸ص) و میر سید نظر علی (در ۶+۶ص)

همچنین در ذیل نام اکثر شعرا ازیشان فقط يك دو بیت نقل کرده است اما

در ذیل شعرای زیر اشعار آنها را ارسایرین مفصل تر آورده است: صفی و گدا (هر کدام در ۳۱ ص) و حایان و شریف و مایل (هر کدام در ۴ ص) و قاضی غلام علی جعفری و عظیم (هر کدام در ۱۴ ص) و خلیل (در ۱۹ ص تحت نام خلیل و ۱ ص تحت نام مسکین) و رویه مرفته انتخاب اشعار خود را از همه بیشتر (قریب دو سست بیت) نقل کرده است.

شرح حال افراد در برامفصل آورده است اما چون اینها شاعر بودند از موضوع این کتاب خارج است

۱-۴- مخدوم عبداللطیف و ابراهیم و عبداللطیف ثانی و عبدالله در ذیل

نام «امید»

۵-۹- محمد زمان و محمد عبدالکریم و غلام حیدر و ابوالقاسم و میر سید نظر علی

در ذیل نام «خلیل»

۱۰-۱۲- میان عبداللطیف و محمد زمان و گل محمد در ذیل «روشن»

(میان ضیاء الدین)

در ذیل شرح حال «حبیب» پسر حوا نمرگ خود مؤلف شرح وفات وی را خیلی مفصل آورده است و قطعه های تاریخ قوت و محسن و مثنوی ها و رباعیات و فردیات که در ماتم پسرش سروده مفصلاً نقل کرده است و همچنین قطعه های تاریخ و فاتی را که دیگران بر مرگ وی سروده بودند بر اینجا نقل کرده است.

در ذیل نام شعرای زیر اشعاری از خود که در جواب آنها سروده است نقل کرده است مولوی آل احمد و آصف اصفهانی و باقی و ثاقب و جعفری و حیدر و حسن و زین العابدین و سعید و ستریم و طرری و عظیم و علی (میرزا ننده علی) و عباس و علی (میر سید عباس بخاری) و گدا و مایل و محمد عالم و ولی .

همچنین در ذیل نام حبیب و عریب بعضی اشعار را از خود نقل کرده است

در ذیل نام بعضی شعرای اعراب آبهارا بر نقل کرده است رجوع شود به نام مولوی

آل احمد احمد (ص ۱۰ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵) - همچنین در حاتم و بیت پر بان اردو از خود نقل کرده است.

مؤلف بماده تاریخ گوئی علاقه فراوانی داشته است چنانکه در دیل شعرای زیر تاریخ و فوات آنرا که خودش گفته بود آورده است باقی و حبیب (تاریخ فوت و مسجع هر دو) و میر سید عبدالکریم بن غلام حیدر همچنین ماده تاریخ های فوت که دیگران سروده اند نیز نقل کرده است رجوع شود به نام ثانی و حبیب و عبدالکریم بن غلام حیدر و شریف و عظیم

گاهی در ضمن شرح حال شعرا بعضی حکایات حالت نقل کرده است رجوع شود به نام مولوی آل احمد احمد و محمدمحمدوم هاشم و محمدمحمدوم عبداللطیف و محمدمحمدوم محمد ابراهیم و محمدمحمدوم عبداللطیف ثانی و محمدمحمدوم محمد درمان و محمدمحمدوم عبدالکریم و محمدمحمدوم ابوالقاسم نقشبندی و میر سید نظر علی و عبدالکریم بن غلام حیدر و میان عبداللطیف بن میان ابراهیم و میان گل محمد

سك انشای مؤلف اکثر ساده و غیر مصنوع است اما گاهی مؤلف مخصوصاً در موقع تعریف و توصیف شعرا بشر مصنوع پرداخته است همچنین گاهی قبل از اسامی اشخاص و شعرا چند لقب توصیفی آورده است و گاهی این القاب را خیلی مفصل به است مثلاً رجوع شود به نام ولی و یوسف

نسخ خطی

۱ - دانشگاه لاهور (بحط مؤلف است چون بعضی عبارات خط رده یا اصلاح شده است و گاهی برای نوشتن احوال و اشعار شعرا حا حالی گذاشته است اما بعداً بوی فرصت دست نداده که این قسمت را تمام کند همچنین با وجود اینکه مؤلف غالباً ترتیب اسامی را از روی الفبا آورده است گاهی بعضی اسامی را خلاف این اصل ترتیب نوشته است).

۲ - نسخه دیگر که در سحبه فوق استنساخ شده است در کتابخانه شخصی آقای

پیر حسام‌الدین در کراچی پاکستان موجود است.

چاپ

سندھی ادبی بورڈ کراچی ۱۹۵۷ م بتصحیح و حواشی و تعلیقات از فاضل
 ارجمند آقای حسام‌الدین راشدی (از روی نسخه خطی فوق)^۱
 برای شرح حال مؤلف رجوع شود به تکمله مقالات الشعراء و مقدمه بر آن
 کتاب چاپ کراچی از فاضل گرامی آقای پیر حسام‌الدین راشدی.
 فهرست اسامی شعراء: رجوع شود به تکمله مقالات الشعراء چاپ کراچی.

۱- این چاپ بسیار خوب است و گرد آورنده آن دانشمند حلیل‌القدر آقای پیر حسام‌الدین
 که از هسلای فارسی‌شبه‌قاره پاکستان و هند میباشد در ترتیب و تصحیح این تذکره بسیار زحمت
 کشیده و مقدمه‌ای در شرح حال و آثار مولف (۲۱-۳۶) و حواشی و تعلیقات بسیار مفصل و سودمند
 (۶۷۷-۸۲۷) با اسامی چهارم مصادر (مناہج) و اسامی رجال و اماکن و کتب (۸۲۹-۹۰۱)
 و قلم‌نامه مفصل (ص ۹۰۲-۹۱۲) و پنج سب‌نامه بسیار مفید و چندین عکس از شعراء و الواح
 قبور و مرارات و مقامات و نمونه‌های خط شعرا و غیره متن کتاب آسافه کرده است که برای خواننده
 آن بسیار سودمند و مفید است. در این چاپ حواشی و تعلیقات که گرد آورنده فاضل مرپور
 متن کتاب علاوه کرده است خیلی پرمایه و با ارزش و مطالب آن خیلی بیشتر از متن خود
 تذکره است. بدین ترتیب میتوان آن را تکمله «تکمله مقالات الشعراء» نامید ماسی گرد آورنده
 در تهیه این مطالب و رحمتی که در این زمینه متحمل شده است سر اور بسیار تحسین و آفرین است
 و برای گرد آورندگان کتب تذکره و تاریخ مثانه شعراء و بهترین نمونه و مثال است
 ایشان این کتاب از جمله خدمات مهمی است که احسن ادبی سند (سندھی ادبی بورڈ) کراچی
 ندیای ادب فارسی انجام داده است که مجال شرح و وصف آن اینجا نیست.

حدیقه عشرت

ابتدا

ای شاهد زیبای سخن جلوه گری کن
از سوخی خود کلک مرا بال (و) پری کن

چهره آرائی مشاطه قلم به ثنای حسن دلبریس شاهدیست که شبستان جهان را
از شمع جمال مامر، یان و شعاع حسن حورشیندرخان منور ساخت و چمن پیرائی باغبان
حامه به بوستان حمه دلربائیسب که ریاض جهان را از چهره زیبای گلرخان و بهال
قامت دلربای سرو قدان بر آراسته

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف کسور در گاپرشاد متخلص به مهر سندیلوی است. اسم پدرش
را حاد هنیپت رای است. مؤلف در ۱۸۴۶ میلادی (مطابق ۱۲۶۳ هـ) بدیبا آمد و در ۱۸۵۷ م
(مطابق ۱۲۸۴ هـ) بعنوان «رئیس» حاشین پدر خود شد و در ۱۸۸۴ م (مطابق ۱۳۰۲ هـ)
قاصی اعرازی سندیله منصوب شد آثار مؤلف بدین قرار است.

۱- حدیقه عشرت تذکره مورد بحث

۲- گلستان هند در تاریخ هند است مشتمل بر چهار دفتر بدین قرار

(۱) راجاهای هند (قبل از اسلام).

(۲) دوره اسلام

(۳) دوره انگلیسها تا ۱۸۸۷ م (مطابق ۱۳۰۵ هـ)

(۴) ذکر مؤلف و احوال وی

این کتاب را مؤلف ششماه بعد از تشکیل دربار «حوبلی» در هردوئی

تألیف کرد

چاپ لکهنو ۱۸۸۹ م و سندیله ۱۸۹۷ م

۳- بوستان اودم- در تاریخ اود است مشتمل بر شش دفتر بدین ترتیب:

(۱) شاهن هندو

(۲) وزرای شاهان دهلی

(۳) شاهان اود

(۴) دوره «غدر» (شورش هند)

(۵) دگر احداث مؤلف

(۶) دگر سندیله و معاریف آن

چاپ لکهنو ۱۸۹۲ میلادی

تبصره بر کتاب

مؤلف این کتاب را در ۱۸۹۳ میلادی مطابق ۱۳۱۱ هـ تألیف نموده است

مؤلف است تألیف این تذکره را در دنیا چه کتاب بشر بسیار مصنوع حسین توصیح

میدهد که وی از مدتی اشعار منقدمین و متأخرین را مطالعه میکرد و در ضمن مطالعه

بچند بیت از شاعره‌ها بر خورد و ناآخیره تصمیم گرفت که تذکره مختصری زاجع

بر دن شاعر ترتیب دهد

این تذکره مشتمل است بر دگر از ساعر از منقدمین و متأخرین ترتیب

۱- سجع چاپی که بدست نگارنده رسیده حینلی - قصائمت و مخصوصا صحاح آخر

را ندارد و همچنین شرح حال دو شاعره معاصرینانی بر آن نفاذ است این سجع مشتمل است

بر دگر ۹ شاعره

العِبَائِي از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعره و با آقائی (هراتی) شروع شده با^۲
تمام میشود

مؤلف در دیباچه می‌نویسد: کتابی از مجموعه کلام (اشعار) نسوان بنظر
نگذشت و بی‌اصی از خلاصه مذاق این سحر کاران فروع افرای چشم جهان بینم نگذشت
اما این قول مؤلف منی بر صحت نیست زیرا که مؤلف تذکره دیگر از شاعره هارا به نام
«احترتابان» که ابوالقاسم محتشم بسال ۱۲۹۰ م تألیف کرده^۳ دیده است چنانکه
اسم آنرا در ردیل «حسینا» آورده است اما از محتویات کتاب پیداست که مؤلف
چنانکه باینوشاید از آن کتاب استفاده نکرده است

مؤلف در مقدمه کتاب می‌نویسد که اول کسی که از طایفه نسوان شعر گفت دلارام
دلرهای بهرام گور بوده است

در ردیل اکثر شاعره ها مؤلف شرح حالشان را خیلی مختصر و از آنها دوسه بیت
بغل کرده است

و از عده کمی از شاعره ها اشعار و شرح حالشان را سه سه مفصل آورده است مانند
آفاق حلا و آراام (دلارام) و جهان خاتون و غیره و رویهمرفته شرح حال نور جهان بیگم
را مفصل تر از همه (در ۱۰ صفحه) آورده است

سنگ‌اشای مؤلف غالباً مصبوع است

رویهمرفته این تذکره چندان اهمیت و ارزشی ندارد

چاپ

کوین برس سدیله ۱۸۹۴ میلادی

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به استوری ح ۱ ص ۴۹۱ و ۷۱۲ و ۹۱۶

۲- نسخه چاپی ما که ناقص‌الاحر است ما «همدمی» تمام میشود و قسمت آخر ذکر
همدمی بجزار این نسخه افتاده است

۳- برای شرح مفصل این کتاب ر ک «احترتابان» در این کتاب.

برای فهرست اسامی شاعره‌ها رجوع شود به حدیقه عشرت چاپ سدیله.

تذکره الشعراء (ی غنی)

ابتدا

(این تذکره با ذکر «آدرحاحی لطف علی بیگ اصعبانی» شروع میشود)

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف محمد عبدالعسی متخلص به غنی موفرخ آبادی است. وی معاصر نظام‌الملک اصعباه نواب میر محبوب علیخان بهادر نظام‌دکن بوده و مدتی سمت صدر مدرس عربی در مدرسه فوق‌البیضاء سرکار عالی حیدرآباد زان است و روایت‌پسروی در ۱۵ اکتبر ۱۹۱۶ م (مطابق ۱۷ ذوالحجه ۱۳۳۴ هـ) فوت کرد^۱

آثار مؤلف به‌رازی است

۱- از معانی اصعبی و فرهنگ اصطلاحات فارسی است که برای هر اصطلاح ناشر شعرای سینه معروف استناد شده است که در کتاب تذکره الشعراء مؤلف آمده است^۲

۱- در دنیا چه تذکره الشعراء بعنوان «عمر من حال» که پسر مؤلف عبدالحمیدخان برهان اردو نوشته است اینجا پسر مؤلف مذکور شرح حال مؤلف پردازنده است. در کتاب دوم اثر دیگر مؤلف اکتفا نموده است.

۲- در پشت صفحه اول تذکره الشعراء چاپ انگلیز تحت آنگهی از معانی اصعبی این عبارت وارد آمده است مؤلف صاحب تذکره مذکور کی متولد شد و بیست و هفتمین سال از عمر او در اردو آمده است. هر جا در آن اسامی مسلمانان که از سید یا گاهی حکام آن کتب (تذکره

در این کتاب قریب به شصت هزار بیت (بدون تکرار) بعنوان شاهد آمده است. این کتاب در هشت جلد در مطبع قادری آگره هند از ۱۹۰۴م تا ۱۹۰۸م (۱۳۲۲ تا ۱۳۲۶ هـ) بطبع رسیده است.

۲- حوار العرب - درباره اصطلاحات عربی و شرح آن بر زبان اردو چاپ انستیتیوت پرسی علیگره

۳- تذکرة الشعراء - تذکره مورد بحث

تبصره بر کتاب

مؤلف تألیفات این کتاب را سال ۱۳۰۰ هـ آغار نموده و در سنه ۱۹۰۷م (مطابق ۱۳۲۵ هـ) بمک بمسرح خود مطالب این تذکره را از تذکره‌ها و کتب دیگر مذاقه و مقابله نموده و بالآخره در ۱۹۱۰م (مطابق ۱۳۲۸ هـ) ۱ تألیف و مقابله کتاب فراغت یافت^۲

در مورد سب تألیف عبدالحمیدخان پسر مؤلف در ذیل مقدمه کتاب بعنوان «عرض حال» (بر زبان اردو) چنین توضیح داده است که در موقع تألیف ارمغان آصفی مؤلف بمکر ترسب این تذکره افتاد اما معلت مشکلاتی که مؤلف در زمان طبع ارمغان با آن مواجه شدوی در باره توفیق در عملی ساختن این فکر دچار شک و تردید گردید اما بعدا چون حر و اولاد از کتاب وی نام «حوار العرب» در انستیتیوت پرسی با موفقیت بطبع رسیدو خصوص امیدوار گشت و تصمیم گرفت قلم را

الشعراء) میر تذکره هی)) تر حمد آن عبارت فارسی قرار پیرا است

مؤلف این تذکره در تألیف معروف خود تمام ارمغان آصفی برای هر اصطلاح اشعاری را از اساتید مسلم که در این کتاب (تذکره الشعراء) مذکورند بعنوان شاهد و سند آورده است، و در اینجا بعضی باین فکر افتاده است که این تذکره مشتملست منحصر امر ذکر شعرائی که مؤلف در فرهنگ (ارمغان آصفی) اشعار آنها را نقل کرده است و طاهرا این عقیده صحیح است چون مؤلف در حلالی رسم تذکره بویسان اشعار شعرا را در این تذکره اصلا بیاورده چون قبلا در ارمغان آصفی نقل کرده بود و بسبب این تکرار در آن در تذکره لازم نبود

۳- ر كذو ما چه این کتاب از پسر مؤلف . بویان «عرض حال» (بر زبان اردو)

ارسال بقیه جروه های «حوار العرب» بمطبع سابق الذکر ارطع تذکره الشعراء فراغت حاصل نماید اما تجری الرياح بما لا یشتی السقن چون طبق متن این کتاب تمام شدمؤلف مبتلای مرض الموت شد و بالاخره در ۱۱۵ کتر ۱۹۱۶م (مطابق ۱۷ ذوالحجه ۱۳۳۴ هـ) داعی اجل را لبیک گفت .

همچنین پسر مؤلف میگوید که قرار بود این تذکره بعد ارطع ارمغان آصفی بطبع رسد اما چون مؤلف بکلی مشغول اتمام «حوار العرب» بود سا برای کارطبع این تذکره بتعویق افتاد و حتی اگر بعضی رفقای صمیمی برای چاپ آن اصرار میوریدند این کتاب همورهم بریورطبع آراسته نمیشد

در مورد ما حد کتاب عبدالحمید جان پسر مؤلف در دیل مقدمه این تذکره نوشته است که غیر از کتب تاریخ کتبریر در تالیف این کتاب مورد استفاده قرار گرفته است

- | | |
|------------------------------|------------------|
| ۱- لب الالبان (لبان الالبان) | ۲- مجمع العصال |
| ۳- کلمات شعرا | ۴- تذکره بیظیر |
| ۵- لطایف الحیال | ۶- نتایج الافکار |
| ۷- تذکره دولتشاه سمرقندی | ۸- فانوس حیال |
| ۹- تذکره حسن دوست | ۱۰- آتشکده |
| ۱۱- حرا به عامه | ۱۲ |

این کتاب متملسب برد کریکبر 'روحیل ویک' (۱۰۴۱) شاعر متقدم و متأخر وی حرف اول اسم یا تحلیص -اعرو داد آدر حاجی لطف علی بیگ

اصبانی «شروع شده» محمد یوسف حر و دقاسی تصانیف میثود .

در این کتاب مؤلف تمها بعضی اصلاحات را جمع در یک بی شعرا را فراهم آورده ، اشعار شاعر اصلاحی را که در اسب و ابم مطاب را نصرت جدولی تحت عنوانی

- ۱- تحلیص ۲- اسم ۳- سبوحات ۴-

در شاعر که سب در زمان وی میزیست

در ذیل نام هر شاعری که در هند متولد شد یا بهند آمد در ستون عهد حکومت اسم پادشاهی را که در آن وقت در هندوستان حکومت میکرد نوشته و در مورد شعرای ایرانی که بهند نیامدند اسم پادشاه ایرانی که شاعر در زمان وی میریسته ثبت گردیده است. پسر مؤلف در مقدمه کتاب بعنوان «عرض حال» (بزبان اردو) مینویسد که تذکره های سابق پر از تعریف بی خود شعرا بوده و احوال تاریخی در آن کتب کمتر یافت میشود. برای ترتیب و تألیف این تذکره کار آسانی نبوده است همچنین توضیح داده است که هر گاه احتلاقی در امری وجود داشت مؤلف نظری را قبول کرده است که اکثریت تذکره نویسندگان با آن موافقت داشته اند.

شرح حال شعرای ریر را در حاشیه کتاب سه مقصد تراز سایرین (در سه چهار سطر) آورده است. آرزو حافظ و امیر خسرو و سعدی و صائس و طه پوری و طه پیر فاریابی و عارف تهریری و نعمت خان عالی و عراقی و عرفی و عطار و ناصر علی و مولوی عبداللہ خان موفرخ آبادی (همشهری مؤلف) و عراقی (ملک الشعراء) و عیسی و قاسم انوار و قطران تهریری و شیخ سعدالدین محمود و ملک طبع و حواحه نصیرالدین طوسی و شاه نعمت اله و ملا وحشی

در ذیل نام شعرای ریر آثارشان را معصل ذکر نموده است. شیخ آدری و آرزو و آراد و شیخ بهائی و تقی اوحدی و ملا لالی و طه پوری

در ذیل نام بعضی شعرای شرح حال معصل تری از ایشان را در پاورقی کتاب نقل کرده است. اما در جمع آوری این مطالب دقت و تحقیق لازم بعمل بیاورده و گاهی مرتکب اشتباهاتی شده است و باین میتوان به محتویات این تذکره کاملاً اعتماد کرد.

مؤلف که در تألیف این کتاب همکار و دستیار پدر بوده بی در مقدمه این کتاب اعتراف نموده است که احوال بسیاری از شعرا در این کتاب با تمام مانده است. سبک انسانی مؤلف ساده و غیر مصوع است اما زبان امروزه ایران فرق دارد.

چاپ

در مطبع انستیتیوت گزت علیگره در اول اکتبر ۱۹۱۶م (مطابق ۳ ذوالحجه

۱۳۴۴ هـ) با اهتمام محمد مقتدی حار شروانی

شرح حال مؤلف

در هیچ کتابی پیامده است

فهرست اسامی شعرا

در هیچ کتاب پیامده حتی در اول یا آخر تذکره چاپ فوق هم مذکور نیست

سخنوران چشم دیده

ابتدا

« حمد میگوئیم آن خالق کون و مکان سخن آفرین را که چها کمال و افضال
به انسان بی بنیان عطا فرموده و دل این حاکی سرسدر مطلع انوار و مقطع تجلیات
کرده »

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف مولوی ترک علی شاه ترکی قلندر پور محلی است سلسله نسب
مؤلف بحد واسطه بهردوسی طوسی میرسد . حدش نام آبادان با تهاق لشکر نادر شاه
ارهرات بهد آمده رحل اقامت در لاهور افکنده بغداد پدرش در زمان سیکه ها در شهر
نوره رحل که از مصافات شهر لاهور است اقامت گزید . مادرش که صیه سردار پور محمد
هراتی بود فارسی شعر میسر و دو سپس تدریس در آن حدی را فر اگرم مادرش مادری
مؤلف فارسی بوده . راجع به

روزی پدر مؤلف سخت مریض شد و مادرش بر اثر علاقه فراوانی که بشوهر خود داشت هفت بار دور تخت خواب شوهرش مریض گشت و بخدادعا کرد که اگر عمر شوهر من پایان رسیده است من همه عمر خود را باومی بحشم و همان روز بستری شد و بعد از همت و روفوت کرد^۱.

مؤلف در حدود سال ۱۲۴۲ هـ در نور محل از مضامین لاهور متولد شد^۲ و تاسی سالگی بتحصیل علوم متداوله پرداخت. پدرش که بیش از صد سال عمر کرد شعر و شاعری را دوست نداشت اما در فهم ععایی اشعار و حل معمی بد طولانی داشت و متواست بهمت زبان صحبت کند و همچنین «همت قلم» خط مینوشت. روزی مؤلف در حضور پدر خود مصرعی بر مصرع یکی از شعرای لاهور سرود و پدرش آنرا خیلی پسندید و در نتیجه مؤلف اجازه داده که پس از آن شعر بسراید.

بعد از تکمیل تحصیلات مؤلف سن سی سالگی (در حدود ۱۲۷۲ هـ) کمر بسیر و سیاحت بست و مدت بیست و دو سال از شهرهای مختلف دیدن کرد و در همین ایام «دیوان گلشن معنی»^۳ و «فرخ نامه» معروف به «راهاین پاریسی» را با مر و فرمایش حاکم نامه (که ریاستی^۴ بود در پنجاب) سرود و والی با به منصی را بعنوان حایره و صله با و اعطا کرد

۱- نایدادعان کرد که از همین قبیل قصه ای در تواریخ هند در نامه مرگه نا بر شاه آمده است میگویند چون همایون پسر نا بر شاه مریض شد نا بر به فرزند خود فوق العاده علاقه داشت هفت بار دور بستروی گشت و بدرگاه خدا دعا کرد که حاضر ست بحای خان پسر جان خود را بفرشته مرگه بدهد و در نتیجه نا بر ساه مریض شد و دیری نگذشت که عمر و همایون از دست فرشته مرگه خان سلامت برد

۲- چون مؤلف این کتاب را سال ۱۳۳۲ هـ سی بود سالگی تألیف کرد بنا بر این در حدود ۱۲۴۲ هـ متولد شد و چون پدرش در نور محل زندگی میکرد بنا بر این نا احتمال قوی ولادت او در شهر نور محل اتفاق افتاد چنانکه مؤلف خودش را «نور محلی» نوشته است

۳- ناحیه نیم مستقل را در هند و پاکستان ریاست گفته اند ما سد حیدر آباد کن و کشمیر و غیره

مؤلف میگوید که در دمایو (۱۸۶۹-۱۸۷۲ م مطابق ۱۲۸۶-۱۲۸۹ ه) و ایسرای
 هدا و راجگان^۱ هندوستان اورا لقب «ملك الشعرا» دادند.
 همچنین مؤلف ادعا کرده است که در زندگی او شعرای عجم و هند با شعار او
 استاد میگردند.

مؤلف در تصوف دست ارادت بدامن غوث علی شاه قلندر پانی پتی برده و در شعر پارسی
 شاگرد گل محمد خان ناطق مکرانی و شهاب الدین و اثق هراتی و مولوی رکن الدین
 مکمل نور محلی که از هر کدام يك بیت در ضمن شرح حال خود بطرز نمونه آورده است)
 و امام بخش صهبائی دهلوی شاعر معروف آن زمان و در شعر ریخته (اردو) از میر علی
 اوسط رشک لکهنوی کسب فیض کرده است. همچنین در ذیل شرح حال عبدالغنی
 عبدو مولوی رکن الدین مکمل نور محلی تقدیر کرده است وی استاد مؤلف بوده اند.
 در آخر عمر دوباره «سودای سیاحت» در سرش افتاد اما این دفعه با «گردون
 بخار دخابی» (قطار) مسافرت کرد. وی در حدود ۱۳۰۵ ه دکن رسید^۲ و آنجا در زمرة
 مدح گویان سلطان دکن (نظام حیدرآباد دکن) درآمد.

در موقیع تألیف این کتاب سن مؤلف نود سال بود اما خودش میگوید: «هنوز تنم
 و دندان مستحکم چون جوانان سی ساله است».

مؤلف با اکثر شعرای معروف معاصر خود مانند مظفر علیحان اسیر و غالب و مومن
 و امام بخش صهبائی و نواب شیفته و داغ و غیره آشنا بود و اکثر آنها هم بزم او بودند.
 مؤلف با فن «ماده تاریخ گوئی» علاقه فراوانی داشت و از جمله مصرع «ماده تاریخ
 قوت» شعرای زیر را خود گفته است شایق حیدرآبادی و طوبی حیدرآبادی و طهیر
 بی و مکمل نور محلی و محبوب لاهوری.

۱- نایب اللطیفه که از طرف حکومت انگلستان انتخاب

۲- حکام ریاستها. کلمه را حا غالباً برای حکام هند و اطلاق میشد.

۳- قبل از تألیف این کتاب ۲۷ سال در حیدرآباد دکن بوده و این کتاب در سال ۱۳۳۲ ه

تألیف کرد بنابراین در حدود سال ۱۳۰۵ ه وارد حیدرآباد دکن شد

مؤلف در این تذکره تذکره کرده است که شعرای زیر شاگرد او بوده اند احمد حسین امجد و خواجه جهانگیر علیخان آصف حیدر آبادی و سید نواب جان تمنا ناری و مستحب الدین تجلی حیدر آبادی و محمد امام تائب و دستگیر حسین خان حسینی و سید حسین ذوقی و میر رحمان علی سیف ملقب به سیف الملک (از امرای حیدرآباد) و میر شہامت واعظم علی شایق و نواب ضامن حسین ضامن حیدرآبادی و محمدخان طلعت حیدرآبادی و ابوالدین عتیق و عارف (مؤلف اسمش را فراموش کرده) و حمیظ الدین عمرو و عظیم الدین حسن قبادوسید اسحق محمود حیدرآبادی و غلام بی نظمی و غلام محی الدین نکبت حیدرآبادی و غلام محمد نعیم حیدرآبادی و داود علیحان واقف حیدرآبادی و ولایت علیحان ولایت حیدرآبادی.

از حمله شاگردان مؤلف غلام محی الدین نکبت حیدرآبادی صاحب دیوان فارسی بوده است و میر رحمن علی سیف در موقع تألیف این کتاب هفتاد ساله (از همه شاگردان مؤلف مسن تر) بوده و اکثر بقیه شاگردان مؤلف جوان بودند

اولاد مؤلف

مؤلف در این تذکره اسم فتح محمد قیصر پسر ارشد و بسماله بیگم عصم دختر بزرگ و خیرالنساء بنت دختر کوچک را ذکر نموده است که هر کدام از آنها فارسی شعر میسروده اند و از آنها چند بیت نقل کرده است. سن پسر ارشد وی بوقت تألیف این کتاب چهل سال بود. معلوم نیست که مؤلف فرزندان دیگر هم داشت یا خیر

آثار مؤلف

چنانکه خودش در این تذکره شرح داده است بقره زیر است.

- ۱- فرخنامه معروف به «راما بن پارسی» ۲- دیوان فارسی بنام «گلشن معنی»
- ۳- ساقی نامه
- ۴- مشوی گلزار محبت
- ۵- رساله بدر حسین (شعر)
- ۶- مشوی صورت سرمد
- ۷- سروالناظرین (شر)
- ۸- گلستانک ترکی (نثر)

- ۹- دیوان «سرمایه‌پیری»
 ۱۰- مثنوی طول امل
 ۱۱- مثنوی شکرآب
 ۱۲- مثنوی بازو زیبا (بازو بیاز)
 ۱۳- تذکره «سحوران چشم دیده»- تذکره مورد بحث
 ۱۴- نسخه موسوم به «پسمانده» مجموعه اشعاری که بعد از طبع دو اوین نزد بعضی احباب پیدا شد

۱۵- مثنوی ترانه حق^۱

تصریح بر کتاب

مؤلف این کتاب در حیدرآباد دکن در زمان میر عثمان علیخان نظام حیدرآباد دکن سال ۱۲۳۲ هـ تألیف نمود و در خاتمه قطعه ای آورده است که سال اتمام تألیف کتاب را می‌رساند

این قصه دراز گشت کم کن

نامش کردم «ترانه حق»

گیرا عدد کلام اشعار (= ۱۲۳۲ هـ)

ترکی به کنون روان قلم کن

شد حتم چون این سانه حق

سالش ر «فروغ ماه» بشمار

در مورد سبب تألیف مؤلف در دیباچه چنین توضیح میدهد. در عین شباب اشعار

استادان و شاعران چشم دیده (را) بهر ار محنت جمع کرده میخواستم که تذکره (ای)

مرتب کنم لیکن افسوس صد افسوس که آن همه سرمایه در غدر دهلی غارت

شد از این حادثه دلم چنان سرد که باز (دیگر) نخواستم که باز دیگر سامان فراهم

کرده بقلم آرم چرا که در ایام خوانی اشعار محضان که یاد بودند درین سن

بود سائگی چنان از یاد محو شد که هر چند فکر می‌کنم شعری (بیتی) کجا که نیم

مصرعه هم ندانم نمی‌آید مگر (اما) دل شیدا شور و رقتناضای تحریر تذکره (ای)

۱- صفحه «پسمانده» و مثنوی «ترانه حق» را مؤلف در آخر کتاب «سحوران چشم»

دیده» صمیمه کرده است

۱- شورش معروف هند علیه استعمار انگلیسها که در ۱۸۵۷ میلادی مطابق ۱۲۷۴ هـ

روی داد اما نكوشش انگلیسها ناکام شد.

می‌کرد. لاچار (ناچار) مستعد قدم»

این تذکره مشتمل است بر ۲۳۰ شاعر معاصر مؤلف بترتیب الفبا از روی حرف اول اسم یا تخلص شاعر.

مؤلف در حاتم کتاب این قطعه را در همین معنی آورده است

چو بعد از ستمن این سلک ترکی در نام سخن سنجان شمردم

بعد داله کر اول تابه آحر بد کر دوصد وسی راه مردم

مؤلف (چنانکه خودش در دیباچه کتاب توضیح داده است) در این تذکره تنها ذکر شعرائی را آورده است که بیچشم خود آنها را دیده و با آنها ملاقات کرده است و اکثر آنها «هم مردم» او بوده و به فارسی شعر میسروده اند همچنین بعضی از آنها شاگرد مؤلف بودند.

این تذکره «با نواب میر محبوب علیخان آصف سلطان (بطام) دکن» شروع شده با «یاورالدین یاور» تمام میسود تعریفاً تمام افراد مذکور در این تذکره یا اهل حیدرآباد دکن بودند یا آحاد در خدمت بطام دکن بودند اما نواب کلب علیخان والی رامپور و چند نفر دیگر را استثنائاً ذکر نموده است

مؤلف در این تذکره توضیح داده است که وی از صحبت بعضی اساتید سخن قبض برده اما عمداً بذکر احوالشان پرداخته زیرا که تذکره نویسان دیگر قبل از او شرح احوالشان را نوشته اند مانند مظهر علیخان اسیر و غالب و مومن و امام بخش صبهائی و ناطق مکرانی و واقع هر اتی و نواب سیف و غیره

همچنین درباره بعضی شعرا مانند صامس علی حلال لکهنوی و کمال حلف حلال و امیرالدین سلیم و شوق بیگموی و انوار دهلوی و عنی رامپوری و سمنار لکهنوی و غیره که این مؤلف آنها بودند نسیان کرده نام بعضی از آنها را کتفا کرده چون از اشعارشان حدی بدست او بر سیده بود

این تذکره از قد کدهای مؤرخ فارسی است و از این حیث خیلی مهم است چون شعرائی که در حیدرآباد دکن در اوایل قرن چهاردهم هجری میریسته اند و

دکرهاں در این تذکره آمده است اتفاقاً ذکر اکثرشان در هیچ تذکره دیگر نیامده است

از این تذکره معلوم میشود که حتی تا اوایل قرن چهاردهم هجری در حیدرآباد محل شعر و شاعری هنوز گرم بود و هنور شعرائی وجود داشتند که شمع شعر فارسی را مخصوصاً در حیدرآباد کین فروران بگه داشته بودند و بعضی از آنها بفارسی دیوان داشتند چنانکه مؤلف در این تذکره در ذیل افراد زیر در این خصوص تذکره داده است.

نواب کلب علیخان والی رامپور و غلام محی الدین بکمت حیدرآبادی و مولوی عبدالواحد، واحد حیدرآبادی و میرزا هادی ملقب بدوزیر جنگ حیدرآبادی در ذیل نام اکثر شعرا در یک دو سطر از آنها یاد کرده و یک دو بیت از آنها نقل کرده است

در ذیل شعرای زیر هماده تاریخ وفات آنها را نقل کرده است که از روی احد سال فوتشان را میرساند نواب میر محبوب علیخان آصف و حیات الدین پاشا و داع دهلوی و اعظم علی سابق حیدرآبادی و خوبی سوشتری و طایر دهلوی و مولوی رکن الدین مکمل نور محلی و محبوب لاهوری و وانه حیدرآبادی

تبعاً اسعار و شرح حال افراد زیر را معصل آورده است نواب میر محبوب علیخان آصف و مولوی عبدالجبار آصفی و مراد علی و آوار اله ابهر و میر میرزا علی و نواب آبر و آفت حیدرآبادی و سر حیدرآبادی و گردخوری در شاد رقی و قمر کی (مؤلف) و مولوی تقی بدیوانی و حسامی حیدرآبادی و داع دهلوی و زاین حیدرآبادی و محمد میران سب و غلام محمد عرب سدیق و اعظم و علی سابق و صبر اوزگ آبدی و سید محمد صامن و غنیمتی حیدرآبادی و عسوق حیدرآبادی و عصر حیدرآبادی و میر عبد علیخان بد و عاقر حیدرآبادی و قاعد حیدرآبادی و قیصر سر ارشد مؤلف و کیمی حیدرآبادی و محوی فتح پوری و میرزا شاد احمد قدسی و آبر و غلام

۱- مؤسس در قد معروف زقادی، در جلد سیزدهم که در مقدمه قدسی به شرح مرعیه بود نیز نام او و حیلی تعریف کرده است.

معجون سبحانی محبوب لاهوری و مولوی جمال الدین نوری حیدرآبادی و ساطم حیدرآبادی و والہ حیدرآبادی و ولحیدرآبادی و واجد حیدرآبادی و ہادی حیدرآبادی.

در ذیل شرح حال بعضی شعرا فقط سن آنان را در موقع وفات ذکر کرده اسما سال وفاتشان را نیاورده است مانند امیر مینائی و حمیر و غیره.

همچنین سن بعضی شعرا را بوقت ملاقات با خود آورده است اما غالباً سال آن ملاقات را ذکر نکرده است رجوع شود به نام تفته و تمیر و چالاک و حادق ایرانی و خیر عظیم آبادی و دکا حیدرآبادی و سایل و شبلی نعمانی و صافی شیرازی و یاور خرابی و یسار لاهوری

در ذیل شرح حال شعرای ریرسشان را چنانکه از دیدن معلوم میشود آورده است: صغیر دهلوی و عالی حیدرآبادی و فیروز لاهوری.

در ذیل نام بسیاری از شعرا سنشان را بوقت تألیف این کتاب آورده اسما مانند امجد و تمنا و تجلی و غیره

مؤلف اشعار شعرای زیر را بدست میآورده است و بنا بر این تنها بدکر اسامی و گاهی شرح حال مختصر آنها اکتفا نموده است ادیب دهلوی و سخی حیدرآبادی و شیدا لکهنوی و شیفته کتوری و ضامن لکهنوی و نظم لکهنوی.

مؤلف در ضمن شرح حال بعضی شعرا برخی حکایت های جالبی نقل کرده است: رجوع شود به دکر آف و حسین میان و داغ دهلوی و طویبی.

از همه حال تر شرح حال اسماعیل است که بقول مؤلف «ارقوم احنه» بوده و در ذیل نام او مؤلف شرح حال عجیبی آورده است

مؤلف در ذیل نام شعرای ریر بایر ادتی که دیگران بر اشعار آنها گرفته اند جواب داده و برای اثبات قول خود دلایل و اسنادی از اشعار شعرای دیگر آورده است رجوع شود به بشر و باقی و ترکی (مؤلف) و جمیل و حلیل (حلیل حسن) و حادق و حالی و دکا و شاد و شوق (غلام محمد عرب) و صافی و ضیاء و مهیم و وزیر و والہ و

و خودی اکثر این ایرادات از ناصر اصفهانی است که مؤلف دگرش را در ذیل نام ناصر آورده است.

سبک انشای مؤلف

این کتاب به فارسی افغانی نوشته شده است و زبان آن با فارسی ایرانی امروز خیلی فرق دارد و مؤلف بعضی اصطلاحات را بکار برده است که در ایران امروز معمول نیست اما سبک وی ساده و زبان او سلیس و خالی از تصنع است. رویهم رفته این تذکره از حیث اینکه بسیاری از شعرا که در این کتاب دگرشان آمده است در کتب دیگر از آنها یاد نشده دارای ارزش و اهمیت میباشد و تیر علاقه اهل هند را نسبت بر زبان فارسی نشان میدهد که حتی قریب صدسال بعد از تسلط انگلیسها باین زبان شعر میسرودند و هنوز بعضی امرای نوابان در هند از شعرای فارسی تشویق و تقدیر میکردند و حتی خودشان هم باین زبان شعر میسرودند مثلاً رجوع شود به میر محبوب علیخان نظام دکن و حسین میان نواب قصبه مانگروول و نواب جعفر حسین خان و میر رحمن علی سیف الملک و مهاراجا کشن پرشاد و نواب میر صعه اله خان حیدرآبادی و نواب عزیز یار جنگ از امرای حیدرآباد و نواب کلب علیخان والی رامپور که به فارسی شعر میسرودند حتی بعضی از شعرای فارسی که در این تذکره دگر شده هندو بودند رجوع شود به راجا نیم چند رام احقرو بحرنگ پرشاد برمی و گوپال سپای تخته و بهاری لال زمر و مهاراجا کش پرشاد شاد و سورج بهان میکش و گوری شنکر مجدوب و یک نفر جهود بنام اسحاق (که اصلاً از نواحی مصر بوده) و به فارسی شعر میسرود

چاپ

مطبع شمس الاسلام (حیدرآباد دکن) ۱۳۳۲ هـ

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به «سحنوران چشم دیده».

فهرست اسامی شعرا

رجوع شود به «سحنوران چشم دیده» چاپ (حیدرآباد دکن) ۱۳۳۲ هـ

فصل چهارم

از سال ۱۳۹۰ میلادی مطابق ۱۳۴۹ هـ تا حال

ملاحظات عمومی

در

فصل چهارم (۱۳۴۹ هـ - تا حال)

اوضاع سیاسی شبه قاره هند و پاکستان در این دوره

این دوره در تاریخ سیاسی شبه قاره هندوستان اهمیت فوق العاده‌ای دارد چون در همین دوره بهضت آزادی هندوستان تکمال رسید و سال‌آحره در نتیجه کوشش و حدیب مداوم اهالی شبه قاره مر نور پادشاه انگلستان آن سرزمین موافقت کرد اما طبق تصمیم مردم آکشرور و سران حرب کنگره و مسلم لیگ که سرتیب رهبری هندوان و مسلمانان هندرا دهنده داشتند شبه قاره مر نور به صورت دو مملکت حدید در آمد و طبق اعلامیه استقلال صادره از طرف سلطنت انگلستان یکی از این دو مملکت حدید نام پاکستان در روز ۱۴ اوت ۱۹۴۷ م مطابق ۲۷ رمضان ۱۳۶۶ هـ و دیگری نام هندوستان یا «بهارت» در روز بعد یعنی ۱۵ اوت ۱۹۴۷ مطابق ۲۸ رمضان ۱۳۶۶ هـ مستقل شدند و با موافقت حرب کنگره فرمانروای کل هندوستان لرد ماونت باتن^۲ که قبل از استقلال نیز از طرف انگلیسها فرمانروای

Governor - General ۱

Lord Mountbatten - ۲

کل هندوستان بود اعلام شد اما از طرف حزب مسلم لیگ محمدعلی جناح مؤسس پاکستان اولین فرمانروای کل آن کشور انتخاب شد

تذکره نگاری در این دوره

این آخرین دوره تذکره نویسی فارسی است. تمام تذکره‌های فارسی که در این دوره در شبه‌قاره هند و پاکستان نوشته شده نویسندگان محلی ترتیب داده‌اند و هیچکدام از آنها ایرانی نبوده‌اند. باید توجه داشت که دستاویز بهائی ایرانی مؤلف «شعرای عصر پهلوی» با اینکه اسم خانوادگی ایرانی است معدلتاً پارسیان هند می‌باشد که اجداد وی بعد از فتح ایران بنسب عربها بندهم‌ها حرت کرده و قربا است در آن سرزمین سر می‌برد و بنابراین نمیتوان آنها را جزو ایرانیها حساب کرد

در این دوره چهار تذکره در هند و پاکستان تألیف شده است یکی از آنها «رساله» دکتر ندیر میرزا برلاس درباره شعرای فارسی زبان پشاور بوده است که وی برای دکترای داسکند ادبیات تهیه نموده است یکی دیگر از این تذکره‌ها کتابی نام «سجوران ایران در عصر حاضر» اساس «رساله دکترای» دکتر محمد اسحق بوده است که مشارالیه بعد از دانشگاه لندن گرفته است

از میان تذکره‌های این دوره دو کتاب نام **سجوران ایران در عصر حاضر و شعرای عصر پهلوی** راجع شعرای معاصر ایران و یکی دیگر نام **تذکره شعرای پارسی زبان کشمیر** درباره شعرای متأخر کشمیر و آخرین آن نام «شعرای فارسی زبان پشاور» درباره شعرای متأخر و معاصر پشاور است. چنانکه واضح و لائح است هیچکدام از این تذکره‌ها «عمومی» نیست یعنی راجع بشعرای متقدم و متأخر فارسی است، تخصیص بکشور و نوع شعر نیست بلکه اول دو تذکره راجع شعرای ایران و سومین تنها راجع شعرای کشمیر و چهارمین تنها درباره شعرای پشاور می‌باشد

سبک انشای تذکره نویسان این دوره

یکی از محتصات تذکره‌های این دوره سبک انشای آنست تمام این تذکره‌ها به سبک انشای حدید فارسی تألیف شده‌اند که تقریباً یک قرن پیش در ایران معمول شده است. باید ادعا کرد که تا سوات اخیر در هند و پاکستان همان سبک قدیم فارسی رواج داشته است و حتی تذکره‌هایی که در آخر دوره سابق در شبه قاره هند و پاکستان تهیه شده‌اند هیچکدام به سبک حدید فارسی نبوده‌اند. علت آن بی‌اطلاعی مردم شبه قاره مرزور از تحول و تغییری که در ایران در زبان فارسی رخ داده بوده است.

علت اساسی این تحول در سبک انشای تذکره نویسان این دوره در شبه قاره هند و پاکستان تماس بر دینی است که بعد از مدتی دوباره از اواخر زمان انگلیسها بین ایرانیها و اهالی هند و پاکستان شروع شده است مخصوصاً بعد از استقلال پاکستان و هندوستان در روابط آن دو کشور با ایران تحول محسوسی روی داده است و رف و آمد مردم هند و پاکستان با ایران بیش از پیش صورت میگیرد و بهمین علت نویسندگان شبه قاره هند و پاکستان با تحولات جدید ادبیات فارسی آشنا شده و کتابهایی را جمع‌نویسند فارسی تألیف نموده‌اند و سبک آنها هم تغییر یافته با سبک حدید فارسی ایران مطابقت پیدا کرده است.

اینک بشرح مفصل تذکره‌های فارسی که در شبه قاره هند و پاکستان در این دوره تألیف شده است میپردازیم

سخنوران ایران در عصر حاضر

ابتدا

بِسْمِ تَعَالَى - مقدمه - کشور باستانی ایران یکی از ممالکی است که
از لحاظ شعر و ادب با ممالک معظم امروزه جهان برابری میکند.

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف (الحاج دکتر) محمد اسحق و اسم پدرش (الحاج) عبدالرحیم است
مؤلف در حدود سال ۱۸۹۸ م^۱ (مطابق ۱۳۱۶ هـ) در کلکته ندیا آمد^۲ و در ۱۹۲۱ م
(۱۳۴۰ هـ) از دانشگاه کلکته لیسانس علوم (B. Sc.) گرفت و دو سال بعد
در ۱۹۲۳ م (۱۳۴۲ هـ) از همان دانشگاه با انگلیسی و اردو لیسانس (B A) گرفت و
در همان سال (۳) ^۳ ناخذ فوق لیسانس بر بن عربی توفیق یافت در میان کلیه دانشجویان
فوق لیسانس در دانشگاه کلکته معام شاگرد اول را حایر شد و بنا بر این از طرف
دانشگاه مر بور مدال طلا و حایره ای بوی اعطاشد

مؤلف برای مدت یکسال تحصیلی ۲۶-۱۹۲۵ م (۱۳۴۴-۴۵ هـ) در دانشگاه
داکا (که امروز جروپاکستان شرقی است) در شعبه عربی و علوم اسلامی ایستان^۴

۱- استوری در ح ۱ ص ۹۲۱ سال ۱۹۰۰ م نوشته شده است اما خود آقای دکتر اسحق
در شرح حالی که برای نگارنده ارسال فرموده اند متذکر شده که سال تولدشان ثبت شده
اما از روی آرشیو دفتر دانشگاه کلکته سشان ۶۴ سال میباشد

۲- ر ک. استوری ح ۱ ص ۹۲۱

۳- در شرح حالی که آقای دکتر اسحق برای نگارنده فرستاده اند سال ۱۹۲۳ م ذکر
شده است که ظاهراً اشتباه ماشین نویس است و باید فوق لیسانس را اقل دو سال بعد از لیسانس
در ۱۹۲۵ گرفته باشند.

(دبیریار) بوده و سپس مدتی در دانشکده اسلامیة (که امروز «دانشکده مولانا آزاد» نام دارد) دبیر عربی و فارسی بود. از اول مارس ۱۹۲۷م (۲۵ شعبان ۱۳۴۵ هـ) برای تدریس در کلاس فوق لیسانس در دانشگاه کلکته بسمت دبیری و بعداً در سال تحصیلی ۲۹-۱۹۲۸م (۹-۱۳۴۸ هـ) در همان دانشگاه در شعبه لہجہهای محلی هند بسمت دبیری اردو انتخاب گردید و در کلاس فوق لیسانس تدریس میکرد و در همان سال در کلاسهای فوق لیسانس ربانسانی تطبیقی (گروه ایرانی) نیز تدریس کرده و مدتی در دانشگاه سابق الدکر در شعبه تاریخ و تمدن اسلامی تاریخ ممالک اسلامی (ایران نو) را تدریس میکرد. اکنون وی در دانشکده ادبیات دانشگاه کلکته در شعبه عربی و فارسی سمت دانشیاری^۱ را دارا است و دوبار ریاست شعبه مروریار هم به عهده داشته است

وی نخستین بار در ۱۹۳۰م (۱۳۴۹ هـ) با ایران آمد و در مدت شش ماه که اینجا اقامت داشت نقاط مختلف این کشور مسافرت نموده و اطلاعاتی درباره زبان و ادبیات فارسی حدید و لہجہهای مختلف ایرانی بدست آورد. همچنین با اکثر شعرا و ادبای معروف ایران آشنا شده و اطلاعاتی درباره شرح احوال زندگانی آنها کسب نموده و آثارشان را جمع آوری نمود و جلد اول کتابی را درباره آنان نام «سحوران ایران در عصر حاضر» (تذکره مورد بحث) تألیف نموده و در ۱۳۵۱ هـ طبع رسانید

مؤلف دوباره در ۱۹۴۳م (۱۳۵۴ هـ) بدعوت دولت ایران باین کشور آمد و در حین هر آره فردوسی که در تهران و طوس برپا شد شرکت کرد. بعد از مراجعت از ایران جلد دوم کتاب «سحوران ایران در عصر حاضر» را تألیف نمود و در ۱۳۵۵ هـ طبع رسانید

همچنین وی بعراق هم مسافرت کرد و از مراکز مدهمی و تاریخی آن کشور دیدن کرد

در سال ۱۹۳۸ و ۱۹۳۹ م (۱۳۵۷-۵۸ هـ) بورس تحصیلی «گهوس» از طرف دانشگاه کلکته بوی پیشنهاد شد و وی با انگلستان رفت و در ۱۹۴۰ م (۱۳۵۹) اردابشگاه لندن دکتراى فارسى گرهت موضوع رساله دکتراى وی «شعرو شعرای ایران جدید» بود که با موضوع کتابی که قبلاً تألیف کرده بود تقریباً یکی بود وی در این مسافرت از مراکز فرهنگی ایتالیا و سوئیس و فرانسه و انگلستان نیز بازدید نمود

در طی مدتی که مؤلف در دانشگاه کلکته تدریس مینماید وی چندین نثر در کار تحقیق و تنوع ادبی راهمائی نموده است چنانکه دکتر محمدرفاقت اله رساله دکتراى خود را در باره «خاقانی شرح حال و آثار او» راهمائی او نوشته و ماحد دکتراى فارسى اردابشگاه پنجاب توفیق یافت و آقای عبدالسبححان «تاریخ نواب علی وردی خان» را راهمائی او بفارسى ترتیب داد و این کتاب از طرف انجمن آسیائی (بنگال) کلکته در دست چاپست

همچنین دوشیره کلثوم حللیل فعلا در باره تدکره «ریاض الشعرا» راهمائی او مشغول تحقیق است و دوشیره حس بانو نیز تحت راهنمائی او مشغول تدوین و گردآوری «دیوان شرف الدین شعروه» میباشد همچنین وی از طرف دانشگاههای علیگره و پتیه رساله دکتراى چهار نثر دانشجو را بعنوان ممتحن مورد سنجش قرار داده است

مؤلف غیر از انگلیسی قدری بازبان فرانسه هم آشناسب

در ۱۹۳۴ م (۱۳۵۴ هـ) دولت ایران بعنوان تقدیر از وی برای تألیف کتاب «سخنوران ایران در عصر حاضر» نشان علم و نظر خدمات وی در راه تشدید روابط علمی و فرهنگی بین ایران و هندمدال طلائی «نشان سپاس» را در ۱۹۵۹ م (۱۳۷۹ هـ) بوی اعطا نمود.

مؤلف عضو کمیته دکتراى دانشگاه کلکته و فاکولته ادبیات دانشگاه علیگره

و مؤسس و دبیر «انجمن ایران» میباشد و همچنین با چندین دانشگاه بیروابط فرهنگی دارد - وی در ۱۹۵۹ م (۱۳۷۹ هـ) بصورت معاون آسیائی (بنگال) کلکته انتخاب شده و انجمن دبیر آن انجمن (قسمت زبان شناسی) میباشد

آثار مؤلف

آثار مؤلف بدین قرار است

- ۱- سخنوران ایران در عصر حاضر - تذکره مورد بحث
- ۲- شعر حدید فارسی - (با انگلیسی) - در ۱۹۴۳ م (۱۳۴۳ هـ) در کلکته چاپ شد
- ۳- چهار رن شاعر بزرگ ایران - (با انگلیسی) - در ۱۹۵۰ م (۱۳۷۰ هـ) چاپ شد .
- ۴- فهرست سح خطی عربی در کتابخانه انجمن آسیائی (بنگال) کلکته - در ۱۹۵۱ م (۱۳۷۱ هـ) چاپ شد
- ۵- روصات الحنات فی اوصاف مدینه الہرات - تألیف معین الدین اسراری (۱۴۹۲ هـ) این کتاب تصحیح آقای دکتر اسحق در ۱۹۶۱ م (۱۳۸۱ هـ) از طرف دانشگاه علیگره طبع رسید
- ۶- همب اقلیم تألیف امین احمد راری - تصحیح وی در حدود ۵۰۰ صفحه از طرف انجمن آسیائی (بنگال) کلکته در دست چاپ است
- ۷- مجله انجمن هندو ایران - این مجله از طرف شورای روابط فرهنگی هند از ۴ سال پیش بر زبان انگلیسی و فارسی (در یک جلد) با نظارت او از دهلی بومنتشر میشود. همچنین مقالاتی در موضوعات مختلف در مجله هائی متعدد از وی چاپ شده است.

تیسره بر کتاب

مؤلف تألیف این کتاب را سال ۱۳۴۹ هـ آغاز نموده و جلد اول آن را سال

۱۲۵۱ هـ و جلد دوم را سال ۱۳۵۵ هـ در دهلی طبع رسانیده است

در مورد سبب تألیف کتاب مؤلف در مقدمه کتاب (بربان فارسی) چنین توضیح داده است:

«در تابستان ۱۳۰۹ ش (مطابق ۱۳۴۹ هـ) برای مطالعه زبان و ادبیات و رسی از بزرگان از هندوستان بایران رفتم و مدت شش ماه در تهران و نقاط دیگر اقامت هسته روزگاری خوش مصاحبت داشتم بدان و نویسندگان و ادبای طراز اول سرزمین سعدی و فردوسی گذراندم (و) از حرم علم و ادب حوشه‌ها چیدم و توسه‌ها گرفتم با اینکه در کشور گلوبل «بوی گلم چنان مست کرده بود که دامم اردست رفته بود» در خاطر ماند که ازین بوستان مردوستان را تحفه آورده و به وطنان کسانیکه بربان ملیح فارسی آشنائی دارند ارمغانی دهم»

مؤلف اسم مأخذ را در مقدمه یا خاتمه کتاب بیاورده اما در متن کتاب در ذیل شرح حال شعرا اسم کتدریر را ذکر نموده است که از آنها در تألیف این کتاب استعاده کرده است:

- | | | |
|--|---|-------------------------------------|
| ۱- محله آینه | ۲- محله ارمغان | ۳- محله ایران |
| ۴- محله بهار | ۵- محله داشکده | ۶- محله بسکدان |
| ۷- محله بوبهار | ۸- محله ایرانشهر | ۹- محله کابل (افغانستان) |
| ۹- روزنامه نسیم شمال | ۱۱- روزنامه صور اسرافیل | ۱۳- روزنامه بهار |
| ۱۲- روزنامه طوفان | ۱۴- حریده «آوار تاحیک» (سمرقند) | ۱۵- حریده امان |
| ۱۶- کابون شعرا | ۱۷- حدایق السحر تألیف رشیدالدین و طواط مرتبه عباس اقبال | ۱۹- تاریخ ادبیات ایران - دکتر براون |
| ۱۸- سیاحت نامه - حواحه علام الثقلین (هندی) | ۲۱- بحر محیط تألیف دانش | ۲۲- باغ بهشت - سید اشرف الدین |
| ۲۰- مطبوعات ایران - دکتر براون | ۲۳- دیوان امیری | |

- ۲۴- دیوان عارف
 ۲۵- دیوان عشقی
 ۲۶- محرن لالی- شیاب کرماشاهی
 ۲۷- منتخبات آثار- محمدصیاهش- ترویدی
 ۲۸- گلهای ادب- میرزا حسین خان
 ۲۹- حردنامهٔ حاودان - دکتر
 اعلم الدوله ثقی
 سعادت موری
 ۳۰- لالی ادب- چاپ معنی
 ۳۱- فارسنامه ماضی- شوریده شیرازی
 ۳۲- تحفة الحسیه - حسین قلی خان سلطان کلهر

ارحمله کتب فوق مؤلف ارحمله ایران وارمعان از همه بیشتر استعاده کرده
 واکثر مطالب و اشعار شعرا را از این دو محله نقل کرده است.

این تذکره مشتملست بر دو جلد - جلد اول دگرسی و سه شاعر و جلد دوم دگر
 پنجاه و یک شاعر را بترتیب العنا شامل است و بدین ترتیب تعداد کلیه شعرای این
 تذکره ۸۴ میباشد اما اسم خام پروین اعتصامی بعد از جلد اول در جلد دوم هم تکرار
 شده است و بنا بر این عده کل شعرای این تذکره ۸۳ میباشد

در مورد علت این تکرار مؤلف در مقدمه جلد دوم بهاری چنین توضیح

داده است

«شرح حال و نمونه اشعار خام پروین اعتصامی را در مجلد اول نگاشتیم ولی
 باقتضای زمان طبع تصویر خام را احارت نداشتیم - بهضت بانوان ایران و آزادی آنان
 ارقید پرده و حجاب ناطع این کتاب تصادف کرد و ما بهتر آن دیدیم که در این
 موقع عکس خام (پروین) را انتشار دادیم دیگر بار قسمتی از اشعار این خام را بشمند
 را اردیوان او که از حسن اتفاق در این موقع بطبع رسیده اقتباس و درج کنیم. تصویر
 خام پروین تا کنون در هیچیک از حراید و مجلات ایران و ممالک خارجه گراور
 نشده است»

در جلد اول دگر تنها یک شعر (پروین اعتصامی) و در جلد دوم ذکر دو
 تن از زبان شاعر (پروین اعتصامی و حست فصل بهار خام ملقب با ایران الدوله)
 آمده است

۱- اما دگر ملک الشعرا «بهار» را بحای ردیف «ب» در ردیف «میم» آورده است.

جلد اول کتاب با «ادب پیشاوری» شروع شده با «یاسائی» پایان میپذیرد و جلد دوم با «آزاد» شروع شده با «یکتا» تمام میشود

بعضی مرایا و مختصات این تذکره معراری را سب

۱- شعرائیکه در این کتاب از آنها نام برده شده به دوره مشروطیت بعد تعلق دارند و از این حیث اولین تذکره بردگی است از شعرای حدید فارسی و میتوان آن را بهترین و جامع ترین تذکره شعرای معاصر قلمداد نمود.

۲- در ایران از دوره مشروطیت ساختن تصایف و سرودها و غیره رواج یافته و تا حدی ادبیات ایران را شکل ادبیات اروپا در آورده است. بعضی از نصایبی که ملک الشعرا بهار ساخته و همچنین برخی از تصایف عارف قرینی که به عقیده مؤلف بهترین نمونه از این قسمت شعر حدید فارس میباشد برای اولین دفعه در تاریخ شعر فارسی در این تذکره انتخاب شده است

۳- در دیل نام هر شاعر عکس او بر آمده است^۲ جلد اول عکس سی و دو تن شاعر و جلد دوم عکس پنجاه و یک تن شاعر و شاعره را شامل است که جلد اول تنها عکس خاتم پروین را علتی که در سطور فوق ذکر شد شامل نیست اما در جلد دوم عکس او هم آمده

۱- ظاهراً قبل از این تذکره چند تذکره دیگر نیز درباره شعرای معاصر فارسی (عصر پهلوی) تألیف شده است و لذا این کتاب را میتوان اولین تذکره شعرای فارسی حدید گمت اما این اولین تذکره بردگی است که در باره شعرای معاصر تألیف شده است و هیچکدام از تذکره های سابق نمیتواند از این حیث با این تذکره برابری و رقابت کند در سالی که جلد اول این تذکره چاپ شد (۱۳۵۱ هـ) تذکره دیگری نیز بنام «شعرای عصر پهلوی» از سنئی چاپ شد اما آن تذکره هم نمیتواند رقیب تذکره دکتر اسحق بشود

۲- در این قسمت بر اولیت نصیب این تذکره شده بلکه قبلاً نیز تذکره هایی مانند تذکره محدیه تألیف میرزا ابراهیم مشی در صفر ۱۳۰۳ هـ در زمان ناصرالدین شاه با تمثال شعراء چاپ شده است.

- ۴- برای اولین دفعه در ادبیات فارسی مؤلف سه‌های موسیقی را از بعضی شعرا آورده‌است. در جلد اول دو مضمون موسیقی از حسام‌زاده پاران‌گاد و در جلد دوم يك نت از امیری ادیب‌الممالک آورده‌است که در هیچ يك از تذکره‌های فارسی بیامده‌است.
- ۵- مؤلف در انتخاب اشعار شعرا خیلی دقت ورزیده و سعی کرده است بهترین اشعار گویندگان معاصر را در این کتاب انتخاب نماید.
- ۶- در حاشیه کتاب بعضی کلمات مشکل را مخصوصاً از فرانسسه که شعر فارسی جدید نگار می‌رود یا بعضی شعرا تماماً در شعر خود آنرا آورده‌اند توضیح داده است. رجوع شود بنام روحانی علامه رضا ص ۱۱۵ و ۱۲۲ و عشقی ص ۲۲۶ و ۲۳۴ و ۲۴۷ و قلم ص ۲۹۰ و غیره.
- ۷- همچنین درباره اشاراتی به بعضی وقایع تاریخی که در بعضی اشعار شعرا آمده‌است در حاشیه شرح داده‌است. رجوع شود بنام اشرف الدین اشرف ص ۱۴۸ و ۱۵۰ و عارف قزوینی ص ۱۹۸ و ۲۰۴ و فرات ص ۲۸۷ و فرهنگ ص ۳۳۹ و ملك الشعراء بهار ص ۳۶۳ و (در جلد دوم) حکمت ص ۱۱۴.
- ۸- درباره بعضی اسامی شعرا و نویسندگان و رهبران و بررگان ملل که در بعضی اشعار شعرا آمده‌است در پاورقی توضیح داده‌است. رجوع شود به (جلد اول) ملك الشعراء بهار ص ۳۶۱ و (جلد دوم) افسر ص ۳۲ نامداد ص ۶۹ و بیشتر ص ۸۱ و پژمان ص ۹۸ و ۱۰۲ و قلم ص ۸-۲۹۷ و عارف قزوینی ص ۳-۱۹۲ و وحید دستگردی ص ۳۹۶.
- ۹- مؤلف در دلیل شرح احوال اکثر شعرا اطلاعات ریز را درباره هر کدام از آنها نداده‌است. اسم و نسب و مولد و موطن و سال ولادت شاعر و تحصیلات و مشاغل ادبی و فرهنگی و سال وفات (در صورتی که وی فوت کرده باشد) و خصایص و پایه ادبی و عقاید بعضی ناقدین بررگ ایران معاصر درباره او و آثار او و بهترین اشعار منتخب از او.
- ۱۰- مؤلف در دلیل معده انگلیسی کتاب شرح حال مختصر پنهان‌ویک تن شاعری که در آن جلد از آنها نام برده شده‌است بر نان انگلیسی بر آورده‌است.

۱۱- مؤلف با اکثر شعرا ملاقات کرده و بعضی اطلاعات را از خودشان گرفته و در بعضی مسائل با آنان صحبت کرده است و همچنین شرح حال اکثر شعرا را یا از خودشان گرفته یا از بعضی محلات معترف و مهم فارسی اقتباس کرده است و این حیث شرح حال شعرا مورد اعتماد و اعتبار میباشد.

۱۲- مؤلف در انتخاب اشعار سعی کرده است به قطع بهترین اشعار شاعر را در این تذکره گنجانده بلکه از انواع شعریکه شاعر در آن طبع آزمائی نموده است در این تذکره استجابی از آن آورده باشد.

۱۳- برای اولین دفعه مؤلف با بعضی خودش شعرا را سه طبقه تقسیم کرده است بقرار زیر.

اول- آنهاییکه بسبب طرز قدما شعر میگویند و تقریباً مضامین گذشگان را تکرار میکنند مانند ادیب پیشاوری

دوم- آنهاییکه مضامین و افکار تازه را بهمان اورایی که اساتید زبان فارسی از متقدمین بدان شعر سروده اند بکار میبرند و نمونه کامل این طبقه ملک الشعرا بهار بوده است.

سوم- آنهاییکه در تحدید خواهی افراط کرده و باوران حدیده قایل گردیده و بدان اشعاری سروده اند مانند عارف قزوینی و غیره

هریک از طبقات فوق از روش و سبک دیگران انتقاد میکند ولی مؤلف بدون هیچگونه ملاحظه و نظری از هر طبقه قسمتی از اشعار را انتخاب کرده است تا خوانندگان این تذکره بدین وسیله بکلیه اسلوب و سبکهای متداول فارسی آشنا شوند اما از طبقه اخیرالد که کمتر اشعار را انتخاب نموده است

مؤلف در مورد انتخاب شعرا در مقدمه جلد دوم چنین توضیح داده است.

«ما در انتخاب اشخاص نظر خاصی نداشته ایم و سعی کرده ایم کلیه شعرای

معاصر را که در دبای شعروادب نام و معروفی دارند در این کتاب (از آنان) یاد

کیم غالب این آقایان پیرو اساتید گذشته و از طرفداران مکتب قدیم بشمار می آیند ولی سلیقه و استعداد و معلومات آنان بحکم عقل یکسان نیست . ما بدون اینکه اشعار این را با آن بسنجیم و آنرا بر این ترجیح دهیم بهترین اشعار هر یک را برگزیده و درج کرده ایم ما همین قدر توفیق یافتیم که نام آنرا بر حریده عالم ننگریم دیگر دوام آن وابسته ب استحکام و استواری آثار آن است که تا چه حد میتواند در مقابل حوادث ایام و تصاریف روزگار پایداری و مقاومت کنند

مؤلف چنانکه خودش توضیح داده است درباره مقام و پایه ادبی شعرای مد کور اظهار نظر نکرده و همچنین در مورد خوبی و بدی آثار آنان نیز نظر خود را نداده و آثار آنانرا با یکدیگر مقایسه نکرده است. علت اساسی این روش وی این بوده است که وی نحو استه است که از انتقاد خود یا ترجیح یکی بر دیگری موجبات اعتراض و دلخوری دیگران را فراهم آورد چنانکه خودش در پاورقی جلد دوم صفحه «و» نظیر چنین واقعه ای را ذکر نموده است که محمد ضیاء الدین هشتروندی در «متحانات آثار» (تذکره شعرای معاصر) خانم پروین را بر شعرای دیگر برتری نهاده بود ما بر این از طرف بعضی شعرا مورد اعتراض واقع گشت

ما بر این مؤلف مینویسد که وی پس از عود و استقصاء در آثار شاعر بهترین اشعار او را برگزیده و در دسترس اهل ذوق و ادب گذارده و مقایسه و داوری را بعهده آنان محول داشته است چون در این کتاب از سخنوران عصر حاضر سخن رانده است مؤلف سر اورتر آرید که بحث انتقادی را به دیگران واگذار کند

شرح حال شعرا اکثر مفصل و حاوی اطلاعات لازم درباره زندگی آنان میباشد مخصوصاً شرح حال شعرای دیردامصل ترا در دیگران آورده است **جلد اول** ادیب پیشاوری (۱/۲ ص) و دهجد (۱/۴ ص) و عبدالعظیم قریب و فرحی یردی (هر کدام در ۳ ص) و بهار (۱/۲ ص) **جلد دوم** افسر (۳ ص) و نصرت اله کاسمی و وثوق الدوله و حمید دستگردی (هر کدام در ۱/۲ ص) و دیگران هم مؤلف شرح حال دهجد را از سایرین مفصل تر آورده است

همچنین اشعار شعرا را معمولاً مفصل آورده است اما در دلیل نام شعرای زیر اشعار آنان را اردیگرا ن مفصل تر آورده است. **جلد اول ایرح میرزا** ۱۶ ص و **پروین** ۱۱ ص (و در **جلد دوم** ۱-۴ ص) و **رشید یاسمی** ۱۲ ص و **روحانی غلامرضا** ۲۱ ص و **اشرف** ۲۳ ص و **عارف قزوینی** ۲۵ ص و **عشقی** ۳۰ ص و **میرزا حسین خان صمیعی ادیب السلطنه عطا** ۲۳ ص و **فرح حراسانی** ۱۶ ص و **ملك الشعراء بهار** ۳-۴ **جلد دوم افسر** ۱۱ ص و **امیری ادیب الممالک** ۱-۳ ص و **دانش طهرانی و ریحان و سرمد و شهریار و عسرت نائینی و مسرور و نصرت کاسمی** (هر کدام در ۱۱ ص) و **قلم** ۱۰ ص و **شعاع الملك** ۱-۱۱ ص و **وحید دستگردی** ۱۲ ص و **وتوق الدوله و یکتا** (هر کدام ۱-۱۴ ص) و **روپه مرفته اشعار ملك الشعراء بهار و عسقی** را از سایر شعرا مفصل تر آورده است.

گاهی در باره بعضی شعرا عقیده علامه محمد قزوینی دانشمند معروف و برجسته ایران را نقل کرده است مثلاً رجوع شود به نام ده جدا (ص ۷۶).

در دلیل نام عارف عقاید خودش را در باره بعضی اشعارش ذکر نموده است که اهمیت و موقعیت آنرا تا کید می کند (رجوع شود به صفحه ۱۹۴ و ۱۹۷).

در دلیل نام ده جدا بعضی عبارات را از کتاب «امثال و حکم» وی (نشر) نقل کرده است همچنین در دلیل ربانی (حاج میرزا محمد حسن قریب) اشعار عربی و ایرانی در دو صفحه آورده است.

در مورد بعضی شعرا مؤلف توضیح داده است که با وجود نهایت تلاش و کوشش به تهیه آثار آنان توفیق نیافته است؛ از آن جمله مرحوم **صوری ملك الادب** و مؤید بابتی **حراسانی و بیداری کرمانی و بیما و دکتر فلسفی نائینی و جعفر جامعه و گفته که شاید رساله‌ای جدا گانه برای تکمیل این تدکیر انتشار دهد**.

مؤلف در مقدمه **جلد اول** بعضی انتقادات مفید بر زبان ادبیات امروزه فارسی کرده است که اکثر مسی بر حقیقت و در عین حال بسیار سودمند می باشد. **ایلك قسمتی** از آن اینجا نقل می گردد.

« انقلاب سیاسی ایران در تبدیل سلطنت استبدادی بحکومت مشروطه که ارا بدای ربع دوم قرن چهاردهم هجری شروع گردید تا حدی ادبیات این مملکت را منقلب نمود . قصاید بلند (و) بالا که متضمن مدایح سلاطین و امراء و مملو از چاپلوسی های بیمورد بود اربین رفت و افکار آزادی خواهی و اصلاح طلبی جایگزین آن شد . غزلهای عاشقانه که بعقیده بعضی تاحدی موجب فساد اخلاق اجتماعی میگردد بقطعات اجتماعی و اخلاقی مبدل شد . اراهمیت صنایع لعطی که جدا بتذال رسیده بود کاسته گردید و توجه بمعانی و مصامین دلشین بیشتر شد . نویسندگان نیز سهم خود از رویه سابق دست کشیده و در نگارش و تحریر اسلوب ساده تری را اختیار کردند و بیشتر در طریق تحقیق و انتقاد قدم گذاشتند ولی این انقلاب ادبی معایبی ببرد برداشت که شاید اگر بدقت سنجیده شود نباید گفت ادبیات ایران درین معامله چندین سودی نبرده است .

« امر و اصطلاحات و الفاظ اروپائی مخصوصاً لغات فراسه بشدت هر چه تمامتر در ادبیات و زبان ایران داخل شده و روز بروز بر دامنه آن الفاظ افزوده میشود . ادباء و نویسندگان ایران هم که حقیقاً تا کنون بگامها بان و حافظ زبان فارسی بوده اند این الفاظ را در اشعار و نگارشات خود بدون کمترین ملاحظه ای بکار میبرند و حتی بعضی حقیقه تعمد میکنند

« کتب و مقالات مختلفه ای که در ایران نطع میرسد عموماً ارا السنه بیگانه ترجمه میشود و گذشته ارا اینکه الفاظ خارجی در خلال هر سطر ی نمایا است چه سا تر کیب حملات و عبارات بیر اروپائی است و کمتر نویسنده ای دیده میشود که ارا این طرز نگارش احتناں حوید

« این رویه و سلیقه طبعه ادبا در سایر طبقات مختلفه بیر اثر خود را بخشیده و کمتر شخصی دیده میشود که در گفتگوی روزانه کلمات اروپائی (را) بکار برد و رافم این سطور هر گاه ارا بر دیک ندین قسمت توجه نمیکردم بیانات علامه فاصل میر را محمدحان قزوینی مدظله را که در این موضوع هموطنان خود را بشدت مورد اعتراض

قرارداده اند باور نکرده و نمیتوانستم تصور کنم که ادبای ایران بدست خویش تیره بر ریشه زبان خود میرنند و در فنا و اضمحلال این زبان شیرین ادبی میکوشند. در زبان فارسی مثل است که بطرفدار دلسور و با حرارت تر از صاحب کار (را) «کاسه گرمتر از آتش» میگویند. اینک دلسوری من هم سبب زبان فارسی این مصداق را پیدا کرده و حتی ممکن است موجب رجحان بعضی از ادبای ایران را فراهم سازد. پس بهتر است بدین مختصر قناعت نموده و از این موضوع بگذریم»

سبک مؤلف ساده و عاری از تکلف و نصح است و تقریباً همه حامی مؤلف زبان فارسی امروزه را نکار برده است و از این حیث در شبهه قاره هند و پاکستان اولین کسی است که تذکره ای بر زبان فارسی حدید تألیف نموده است

روی پهنه نظر بر ایما و حویبهای مذکور در سطور فوق این تذکره را میتوان یکی از چند تذکره خوب فارسی حساب کرد زیرا در بین تمام تذکره هائی که در هندوستان و پاکستان تا حال تألیف شده است این تذکره در موضوع خودار همه پهنرو جامع تر و مفصل تر و مثلاً به سر مشق و نمونه و الائی است که در آینده تذکره نویسندگان شبه قاره هند پاکستان (خصوصاً) و سایر کشورها (عموماً) باید از آن بیروی و تعلید نمایند تنها نقیصه که در این کتاب دیده میشود فقدان بعد ادبی است که اگر مؤلف ترس و رجحان شعرا و ادبای ایرانی را بداند و باین قسمت هم توجه و دقت نموده بود این تذکره در موضوع خود بی نقص و عیب و ناچال بی نظیر و مانی بود اما غلبه همین یک نقص این کتاب را نمیتوان از حیثین تذکره نگاری بی عیب و کامل قلمداد نمود

فهرست اسامی شعرا

جلد اول

- | | |
|----------------|-------------------------|
| ۱- ادیب پشاورى | ۲- ادیب پشاورى |
| ۳- ایرج میرزا | ۴- بدیع الزمان فروزانگر |

- | | |
|----------------------|--------------------------|
| ۶- پورداود | ۵- پروین اعتصامی |
| ۸- حسام‌براده | ۷- حبیب یعمائی |
| ۱۰- وهجدا | ۹- دکتر محمودخان افشار |
| ۱۲- رعدی | ۱۱- رشیدیاسمی |
| ۱۴- سالار شیرازی | ۱۳- روحانی غلامرضا |
| ۱۶- شاد کره‌ساهی | ۱۵- سیداشرف‌الدین |
| ۱۷- عارف قزوینی | ۱۷- شوریده‌سیرازی |
| ۲۰- عشقی | ۱۹- عبدالعظیم قریب |
| ۲۲- عماد | ۲۱- عطا (ادیب السلطنه) |
| ۲۴- فرح‌خراسانی | ۲۳- فرات |
| ۲۶- فروعی | ۲۵- فرحی پردی |
| ۲۸- کمالی اصفهانی | ۲۷- فرهنگ |
| ۳۰- ملک‌الشعراء بهار | ۲۹- محمد کسمائی |
| ۳۲- نصرالدین فلسفی | ۳۱- نادری |
| | ۳۳- یاسائی |

جلد دوم

- | | |
|-------------------|---------------|
| ۲- آیتی | ۱- آراد |
| ۴- ادیب راهد | ۳- احمدی |
| ۶- افسر | ۵- ادیب‌طوسی |
| ۸- اورنگ | ۷- امیری |
| ۱۰- بیضائی | ۹- نامدار |
| ۱۲- پروین اعتصامی | ۱۱- بیش |
| ۱۴- حلیلی | ۱۳- ترمان |
| ۱۶- حکمت | ۱۵- حاجم حنیف |

- | | |
|--------------------|----------------------|
| ۱۷ - دانش اصفهانی | ۱۸ - دانش تهریری |
| ۱۹ - دانش حراسایی | ۲۰ - دانش تهرایی |
| ۲۱ - دانش کرمانی | ۲۲ - دواب |
| ۲۳ - دهقان | ۲۴ - ربانی |
| ۲۵ - ریحان | ۲۶ - سرمد |
| ۲۷ - سرود | ۲۷ - سا |
| ۲۹ - شجره | ۳۰ - شعاع |
| ۳۱ - شفق | ۳۲ - شهریار |
| ۳۳ - صدر | ۳۴ - صورتگر |
| ۳۵ - عبرت | ۳۶ - فرا رزی |
| ۳۷ - قلم | ۳۸ - گرامی تهریری |
| ۳۹ - لاهوتی | ۴۰ - مایل توپسر کانی |
| ۴۱ - محتشم السلطنه | ۴۲ - مسرور |
| ۴۳ - ناصح | ۴۴ - نصرت (کاسمی) |
| ۴۵ - نظام وفا | ۴۶ - بیاری |
| ۴۷ - وثوق | ۴۸ - وحید دستگردی |
| ۴۹ - هادی حایری | ۵۰ - یحیی |

چاپ

جلد اول چاپخانه جامعدهلی سال ۱۳۵۱/۱۹۳۳م - مؤلف این جلد را نام دانشگاه کلکته عنوان کرده است

جلد دوم چاپخانه جامعدهلی سال ۱۳۵۵/۱۹۳۷م - مؤلف این جلد را نام نیاما پرشاد مکرخی رئیس دانشگاه کلکته عنوان کرده است

برای شرح حال مؤلف رجوع شود به استوری حاق ۲ ص ۹۲۱ و ارمغان ح ۹ ص ۷

۶۰-۵۵۹ باعکس مؤلف

تذکر

بنا با استدعای نگارنده آقای دکتر اسحق شرح حال خود را بوسیله دوست قاضی آقای دکتر ضیاءالدین دیسائی برای ایبجات ارسال فرمودید. نگارنده از لطف و همکاری هر دو دانشمند ارجمند هندی سپاسگزار است.

شعراى عصر پهلوى

شرح حال مؤلف

اسم مؤلف دنشاحی بهائی ایرانی است که از رشتیان هنداست وی در ۱۹۰۲ میلادی از دانشکده سن زیویر لیسانس در ادبیات (B.A) گرفت و در ۱۹۴۰ میلادی از طرف قاضی اسپسر حایره‌ای دریافت نمود و در همان سال دانشجوی محقق از طرف منوچهر حی نوروحی ساحی شناخته شد سپس در سال ۱۹۰۵ میلادی از مدرسه دولتی حقوق لیسانس در حقوق (LL.B) گرفت. وی در ۱۹۲۸ میلادی ریاست انجمن زرتشتیان را بعهده داشت.

آثار مؤلف

- ۱- ترجمه با انگلیسی «رستاخیر» عشقی نام رستاخیر سلاطین قدیم ایران در حرا به‌های مداین. چاپ نمئی ۱۹۲۴ میلادی
- ۲- سرودهای اهورا (ظاهر آنا انگلیسی). چاپ لندن ۱۹۲۷ میلادی.
- ۳- بیک مردیسان - مجموعه مقالاتی درباره مذهب زرتشتی که اصلاً بر مان انگلیسی یا گجراتی بوده اما بعداً بوسیله آقای استاد پورداود بهارسی ترجمه شد (قسمت ۱-۸) چاپ نمئی ۱۹۲۷-۹ م